

یمین

(قسم مثبت (توسط مدعی) یا مسقط (توسط منکر باید به اسم الله یا یکی از اسماء خاص او خورده بشود

چه قسم خورنده مؤمن باشد و چه کافر

در مورد مجوسی در کنار قسم به الله خالق کل شی نیز آورده شود آورده شود برای جلوگیری از تأویل بردن به خدایی که آن ها خالق ظلمت می دانند در دروس گفته شده که مجوسی بگوید خالق نور و ظلمت

اگر به نظر حاکم برسد که اگر اهل ذمه را به مقدسات خودشان قسم بدهد اثرش بیشتر است همین کار را انجام بدهد مگر اینکه مشتمل بر حرامی باشد مثل قسم دادن به فرزند خدا یا پدر خدا؛ مثل قسم دادن امیرالمؤمنین یهودی را به تورات

اگر اشکال شود قسم دادن برخی کفار به خداوند اثری ندارد زیرا که آنها اعتقاد به خدا ندارند

می گوییم نص این را گفته است

عن الحلبي قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن أهل الملل يستحلفون؟ فقال لا تحلفوهم إلا بالله عزّ و جلّ

قسم به غیر این ها جایز نیست مثلاً به کتاب های آسمانی یا انبیاء یا ائمه

در اینکه حرام باشد یا مکروه اختلاف نظر است ولی قسم به طلاق و عتاق و کفر و برائت قطعاً حرام است

قسم به طلاق: بأن يقول: إن كان كذا فزوجتي مطلقه

قسم به عتاق: بأن يقول: إن كان كذا فكلّ مملوكي عتق

قسم به کفر: كأن يقول: إن كان كذا فإنّي كافر بالله أو بالإسلام أو بالرسول أو بالأئمة

مستحبات (ترجیحات) در قسم

تغلیظ در قسم مثل و الله الذی لا إله إلا هو الرحمن الرحیم الطالب الغالب، الضار النافع، المدرك المهلك، الذی یعلم من السر ما یعلمه من العلانیة
زمان آن در زمان های مناسب مثل جمعه و عید و بعد زوال و عصر
بهترین مکان ها قسم بخورد مثل کعبه و حطیم و مقام و مسجد الحرام و مسجد الاقصی و تحت صخره و در محراب مساجد

استحباب این سه در همه جا هست مگر در جایی که مال کمتر از نصاب قطع ید سارق در سرقت باشد که ربع دینار است

البته بر قسم خورنده اجابت این سه واجب نیست می تواند قسم را تغلیظ نکند و فقط بگوید و الله ما له عندی حق

مستحب است حاکم حالف را قبل از حلف نصیحت بکند

یعنی او را ترغیب به ترک قسم بکند به خاطر اجلال خداوند تعالی و خوف از عقاب او در صورتی که قسمش کذب باشد و روایاتی که در این زمینه از اهل بیت هست برای او بخواند مثل

آقا رسول اکرم ص: من أجل الله أن يحلف به أعطاه الله خيراً مما ذهب منه
امام صادق ع: من حلف بالله كاذباً كفر، و من حلف بالله صادقاً أثم، إن الله عز و جل يقول و لا تجعلوا الله عرضةً لإيمانكم
امام صادق ع: حدثني أبي أن أباه كانت عنده امرأة من الخوارج فقضى لأبي أنه طلقها فادعت عليه صداقها فجاءت به إلى أمير المدينة تستعديه، فقال له أمير المدينة: يا علي إما أن تحلف، أو تعطيتها فقال لي يا بني: قم فأعطها أربعمائه دينار، فقلت يا أبة جعلت فداك: أ لست محقا قال: بلى و لكنني أجللت الله عز و جل أن أحلف به يمين صبر

یمین صبر: قسم راست را گویند زیرا که قسم خورنده باید همیشه بر صبر و حبس این قسم باشد

قسم خوردن منکر بر نفی استحقاق کفایت می کند

دلیل

زیرا که نفی استحقاق شامل مورد نزاع و بیشتر از آن می شود وقتی می گوید به خدا قسم من به مدعی بدهکار نیستم شامل مورد نزاع که نفی قرض گرفتن است نیز می شود

اگر افراد را وادار بکنید که به صورت خاص قسم بخورد گاهی حقی از کسی ضایع می شود

گاهی مدعی صادق است در قرض دادن و چیزی که باعث سقوط دعوا می شود پیش آمده است و یا اگر منکر اعتراف به گرفتن قرض بکند ولی ادعا بکند که پس داده است از او بینه طلب می شود ولی گاهی عاجز از آوردن بینه است به همین خاطر وقتی قسم بخورد که من هیچ بدهی به شما ندارم حقی از او ضایع نمی شود

قیل

باید بر وفق آنچه که جواب داده است قسم بخورد

نقد

با دلایلی که ذکر شده تضعیف می شود

و همچنین امکان تسامح در جواب وجود دارد ولی امکان تسامح در قسم نیست

قسم به قطع

بر فعل خودمان

بر ترک خودمان

بر فعل دیگران

زیرا که فعل دیگران به وسیله مشاهده و اطلاع بر آن، قابل قطع است

قسم به نفی علم

نسبت به ترک دیگران

اگر بر مورث کسی ادعایی بشود کفایت می کند قسم خوردن شخص بر اینکه علم به آن ندارم: من علم ندارم که پدرم از ایشان قرض کرده باشد

